

نگرش دینی و هوش فرهنگی (مورد مطالعه: شهر سنندج)

معرفت سال بیستم - شماره ۱۶۷ - آبان ۱۳۹۰، ۱۲۳-۱۳۸

یعقوب احمدی*

چکیده

هوش فرهنگی توانایی فرد برای تطبیق با ارزش‌ها، سنت‌ها، آداب و رسوم متفاوت است. با توجه به متنوع و چندفرهنگی بودن جامعه ایرانی و همچنین جامعه شهری سنندج، هدف اصلی مقاله سنجش وضعیت هوش فرهنگی و متعین‌های آن است. از آنجایی که دین و نگرش دینی، مؤلفه بسیار برجسته‌ای در شکل‌دهی به جهت‌گیرهای نگرشی افراد به شمار می‌رود، به عنوان مؤلفه اصلی مؤثر بر هوش فرهنگی مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی است. از نظر کنترل شرایط پژوهش، یک بررسی پیمایشی، از نظر وسعت، پهنانگر و از نظر زمانی، مقطعی است. جامعه آماری پژوهش، شهروندان ۱۵ سال به بالای مناطق چندگانه شهر سنندج هستند. شیوه نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای و حجم نمونه ۳۴۰ نفر می‌باشند.

نتایج توصیفی تحقیق حکایت از آن دارد که سطح هوش فرهنگی شهروندان در شاخص هوش فرهنگی و ابعاد چهارگانه در حد متوسط و متوسط رو به بالا قرار دارد. این نشان از رضایت‌بخش بودن وضعیت هوش فرهنگی است. نتایج تحلیلی تحقیق نیز حاکی از ارتباط معنادار و البته معکوس میان نگرش دینی با شاخص هوش فرهنگی و سه بعد از ابعاد چهارگانه هوش فرهنگی هستند.

کلیدواژه‌ها: هوش فرهنگی، نگرش دینی، تنوع فرهنگی، انگیزش، فراشناخت، ارزش، چندفرهنگی.

مقدمه

چندفرهنگی^۱ بودن یکی از موضوعات مهم اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بسیاری از جوامع پیشرفته به شمار می‌آید. گرچه پدیده جامعه چندفرهنگی نسبتاً کهن بوده و منشأ و تاریخ آن در کشورهای مختلف، متفاوت است، اما اهمیت آن به ویژه در عصر جهانی‌شدن آشکار شده است. در جوامع چندفرهنگی مبحث تعاملات میان‌فرهنگی از اهمیت بسیاری برخوردار است. تعاملات میان‌فرهنگی و جوهری از رفتار میان مردمانی با فرهنگ یا پاره‌فرهنگ‌های هویتی متفاوت شکل می‌گیرد.

تعاملات میان فرهنگی، به عنوان فرایند مبادله اندیشه‌ها، معانی و کالاهای فرهنگی میان مردمانی از فرهنگ‌های مختلف، هنگامی به وقوع می‌پیوندد که ادراکات فرهنگی و نظام‌های نمادین آنها به اندازه کافی مجزا هستند. در این گونه از ارتباط، اساساً بین دو طرف ارتباط، در آغاز علقه فرهنگی مشترکی وجود نداشته و یا اینکه طرفین، دارای پیوندهای فرهنگی ضعیفی هستند. به عبارتی، ارتباط میان افرادی که ادراکات فرهنگی و نظام نمادهایشان به حدی گوناگون است که می‌تواند در جریان ارتباط، ایجاد اختلال نماید، «تعاملات میان فرهنگی» نامیده می‌شود. در این میان، فرد هنگامی نیازمند آگاهی از راز و رمزهای ارتباطات میان فرهنگی می‌شود که در یک حس فرهنگی^۲ خود را متمایز از دیگران ببیند و ضمناً در تلاش باشد که به مشابهت معنی در فراگرد ارتباط دست یابد. برای پیشبرد روند فوق، یعنی پیشبرد تعاملات و ارتباطات میان فرهنگی، محققان به وجود پیش‌نیازهای بسیاری اشاره نموده‌اند. یکی از مواردی که در سال‌های اخیر با مطالعه بر روی فرهنگ و سازگاری انسان‌ها با مبانی فرهنگی انجام شده، بحث هوش فرهنگی و اثر آن بر تعاملات میان فرهنگی در جوامع چندفرهنگی به ویژه جوامع مهاجرپذیر است.

هوش فرهنگی حوزه نوینی از هوشمندی است که امکان میانجی‌گری در فضاهای فرهنگی متنوع را مطرح می‌کند. مفهوم چندوجهی هوش فرهنگی برای نخستین بار توسط *یرلی و/نگ* مطرح شد. این دو اندیشمند، هوش فرهنگی را قابلیت یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی و ارائه پاسخ‌های رفتاری صحیح به این الگوها تعریف کرده‌اند^۳. آنها معتقد بودند: در مواجهه با موقعیت‌های فرهنگی جدید، به زحمت می‌توان علائم و نشانه‌های آشنایی یافت که بتوان از آنها در برقراری ارتباط سود جست. بر این اساس، هوش فرهنگی به عنوان مبنای توانمندی تمرکز بر قابلیت‌های خاصی که برای روابط شخصی با کیفیت و اثر بخشی در شرایط فرهنگی مختلف لازم است، تلقی می‌گردد.

علاوه بر مباحث مزبور، ویژگی چندفرهنگی و چندقومی بودن جامعه ایران و به ویژه شهر سنج، بر اهمیت مباحث مبتنی بر تفاوت‌های فرهنگی و راه کارهای مدیریت آنها و پیشبرد روند تعاملات میان فرهنگی برای تبدیل تنوع جامعه از وضعیت تهدید به فرصت بیش از پیش می‌افزاید. از این منظر است که نوشتار حاضر عمده تأکید خود را بر پاسخ به این پرسش‌ها نهاده است:

- وضعیت توزیع هوش فرهنگی شهروندان ساکن شهر سنج در ابعاد چهارگانه آن به چه صورت می‌باشد؟

- کدام یک از متغیرهای شخصیت میان فرهنگی و عناصر قوم‌گرایی بیش از سایر متغیرها بر هوش فرهنگی و ابعاد آن اثرگذار است و میزان تبیین‌کنندگی واریانس هوش فرهنگی توسط هریک به چه میزان است؟

هوش فرهنگی و ابعاد آن

هوش فرهنگی (CQ) توانایی فرد برای انطباق مؤثر و کارآمد با موقعیت‌های فرهنگی جدید است و بنابراین، اشاره به شکلی از هوش موقعیتی (مکانی) دارد که رفتارهای هوشمندانه تطابقی، از نظر فرهنگی با ارزش‌ها و باورهای یک جامعه یا فرهنگ خاص پیوند می‌خورد^۴.

بسیاری از محققان هوش فرهنگی را توانایی فرد در انجام اثربخش وظایف در موقعیت‌های متفاوت فرهنگی تعریف کرده‌اند. *توماس* و همکاران برآنند که هوش نوعی شایستگی چندوجهی است که شامل دانش فرهنگی، عمل متفکرانه و فهرستی از مهارت‌های رفتاری می‌شود^۵. *توماس و ازلون* (۲۰۰۸) هوش فرهنگی را به‌عنوان نظامی از توانایی‌های تعاملی تعریف کرده‌اند. در واقع، هوش فرهنگی ظرفیتی است که به افراد اجازه می‌دهد تا در مواجهه با فرهنگ‌های مختلف، درک و فهم درستی داشته باشند و به طور مناسب عمل کنند^۶.

جدول شماره ۱: تعاریف اندیشمندان از هوش فرهنگی

تعاریف	متفکران
موفقیت افراد در توانایی سازگاری و انطباق با فرهنگی دیگر؛ به عنوان مثال موفقیت در انجام یک کار تجاری و یا مأموریت بازرگانی برون مرزی.	برسلین ۲۰۰۶
توانایی یک شخص در تطابق و وفق دادن موثر و کارا با شرایط و موقعیت‌های جدید فرهنگی.	ارلی و آنگ ۲۰۰۳
طبیعی به نظر آمدن و توانایی تفسیر و تحلیل اشارات و ژست‌های نامفهوم فرد یا افرادی دقیقاً مثل همکاران و هموطنان آن فرد یا افراد و بازتاب آن حرکات و اشارات.	ارلی و موساکو سکی ۲۰۰۴
موثر بودن و تأثیرگذار بودن فرد در درک دانش و آگاهی، مهارت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی، برای انجام بهتر کار با افرادی از ملیت‌های مختلف و فرهنگ‌های متفاوت، چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور.	جانسون ۲۰۰۶
توانایی تأثیرگذاری در فرهنگ‌های مختلف.	ان جی و الی ۲۰۰۶
توانایی تعامل موثر با افرادی که از لحاظ فرهنگ با ما متفاوتند.	تامس ۲۰۰۶
داشتن مهارت و انعطاف در درک فرهنگ و پذیرش بیشتر آن و توانایی در برقراری ارتباط فکری و عاطفی و رفتاری هنگام تعامل با افرادی از فرهنگ‌های دیگر	تامس و انکسون ۲۰۰۵

در رابطه با نحوه شکل‌گیری هوش فرهنگی، برخی از محققان معتقد به شناخت ذاتی هستند ^۷ و تعداد دیگری نیز معتقدند که هوش فرهنگی در واقع پروسه‌ای است که در جریان آن، افراد دانش فرهنگی را به عنوان وجهی از واقعیت زندگی درک کرده و کسب می‌کنند ^۸ و معتقدند که این جزء از فرهنگ زیر مجموعه بخش شناختی عقل می‌باشد.

هوش فرهنگی در واقع، مفهومی چندوجهی و چندبعدی است که تمایلات انسانی در رابطه با فرهنگ‌های دیگر را از زوایای متفاوت مورد واکاوی و ارزیابی قرار می‌دهد. *رلی* و *آنگ* (۲۰۰۳) از نخستین متفکرانی بودند که مفهوم چندوجهی هوش فرهنگی را تدوین کردند. آنها هوش فرهنگی را شامل عناصر ذهنی (فراشناخت و شناختی) و عناصر انگیزشی و رفتاری در نظر گرفتند. بر این اساس، می‌توان عنوان نمود که *رلی* و *آنگ* سه نوع هوش فردی را که به طور مستقیم با تعامل انسانی مرتبط است از هم باز شناخته‌اند که یکی از ابعاد به دو زیرمجموعه قابل تفکیک است: ذهنی (فراشناخت و شناخت)، انگیزشی و رفتاری.

هوش فرهنگی - فراشناختی

هوش فرهنگی - فراشناختی نوعی آگاهی و هشیاری فرهنگی است در تعامل با دیگرانی از زمینه‌های مختلف فرهنگی. هوش فرهنگی - فراشناختی نشان از فرایندهایی دارد که افراد به کار می‌گیرند تا دانش فرهنگی را کسب و درک کنند. این دانش شامل آگاهی و کنترل بر فرایند تفکر افراد در رابطه با فرهنگ می‌شود. عامل فراشناختی هوش فرهنگی یک مؤلفه منتقدانه است که دست‌کم سه کاربرد و برونداد مهم دارد:

نخست، اندیشیدن در مورد افراد و وضعیت‌هایی را که زمینه‌های فرهنگی متفاوت دارند ارتقا می‌دهد.

دوم، اندیشیدن انتقادی در مورد عادات، مفروضات و مرزهای فرهنگی را موجب می‌گردد.

سوم، به افراد امکان می‌دهد که نداشت‌های ذهنی را ارزیابی و مرور کنند و این عامل به طور محسوسی دقت فهم آنها را افزایش می‌دهد ^۹.

هوش فرهنگی - شناختی

هوش فرهنگی - شناختی نوعی دانش فرهنگی فردی از هنجارها، تمرین‌ها و عرف‌ها در محیط‌های مختلف فرهنگی است. در گوناگونی گستره و مسلم فرهنگ‌های دنیای معاصر، هوش فرهنگی - شناختی دانش همگانی فرهنگی و همچنین دانش فرهنگ‌های مختلف را نشان می‌دهد. عامل شناختی هوش فرهنگی نوعی مؤلفه انتقادی است؛ زیرا دانش راجع به شباهت‌های فرهنگی و تفاوت‌های آن، تصمیم‌گیری و عملکرد در وضعیت‌های چندفرهنگی است ^{۱۰}.

هوش فرهنگی - انگیزشی

هوش فرهنگی - انگیزشی نوعی قابلیت فردی است برای توجه مستقیم و صرف انرژی در راستای تفاوت‌های فرهنگی. منظور از هوش فرهنگی - انگیزشی، توانایی فرد برای معطوف کردن توجه و انرژی خود به سمت و سوی سازگاری و انطباق با فرهنگ‌های جدید است. به طور اخص، هوش فرهنگی - انگیزشی اشاره به انگیزه درونی و خودکارایی در انطباق با فرهنگ‌های جدید است. بنابراین، افرادی که هوش فرهنگی - انگیزشی بالایی دارند از تعامل در فرهنگ‌های جدید لذت می‌برند و در انجام چنین کاری و داشتن چنین توانایی‌هایی احساس اعتماد به نفس می‌کنند^{۱۱}.

هوش فرهنگی - رفتاری

هوش فرهنگی - رفتاری نوعی قابلیت فردی است برای نمایش اعمال مناسب شفاهی و غیرشفاهی هنگام تعامل با افراد دیگر در زمینه‌های فرهنگی مختلف. هوش فرهنگی - رفتاری بر اساس داشتن و کاربرد فهرست یا سلسله گسترده‌ای از رفتارهاست. هوش فرهنگی - رفتاری اشاره به طیف گسترده‌ای از مهارت‌های رفتاری است که افراد دارند و می‌توانند به شکل مناسبی، رفتارهای کلامی و غیرکلامی خود را در موقعیت‌های جدید فرهنگی بروز دهند^{۱۲}.

ابعاد چهارگانه هوش فرهنگی در واقع، تشریح‌گر فرایندهای متفاوت در برخوردهای میان فرهنگی هستند. هوش فرهنگی - فراشناختی بر فرایندهای شناختی سطح بالاتر تمرکز دارد. هوش فرهنگی - شناختی نشان‌دهنده دانش نسبت به هنجارها، رسوم و سنت‌ها در فرهنگ‌های مختلف است^{۱۳} که شامل دانش اقتصادی، حقوقی (قانونی) و نظام‌های اجتماعی فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های مختلف و دانش و آگاهی از چارچوب اصلی ارزش‌های فرهنگی است. هوش فرهنگی - انگیزشی نشان‌دهنده اهمیت و سمت‌وسوی انرژی و توانایی‌هایی است که در جهت یادگیری و عملکرد در موقعیت‌ها و شرایط میان فرهنگی، سوق داده می‌شود. این نوع هوش فرهنگی عمدتاً به عنوان شکل خاصی از خوداثربخشی یا باور به مفید بودن خود و انگیزه درونی در موقعیت‌های میان فرهنگی معرفی می‌گردد. سرانجام، هوش فرهنگی - رفتاری، توانایی بروز دادن اعمال و اقدامات مناسب کلامی و غیرکلامی، بخصوص هنگام تعامل با افراد از فرهنگ‌های مختلف است^{۱۴}.

دین‌داری و نگرش دینی

دین در لغت به معنای «کیش»، «مله»، «صبغة»، «طریقت» و «شریعت مقابل کفر» است^{۱۵}. نیز به معنای قید و بند، التزام، تعهد، تکریم، تقدس و شریعت، مذهب، ورع، پاداش^{۱۶} انقیاد، خضوع، پیروی، تسلیم و جزا^{۱۷} آمده

است. معانی دیگری هم در برخی از فرهنگ‌لغت‌ها ذکر شده است که از جمله آنها می‌توان به این معانی اشاره کرد: «جزا و مکافات»، «حساب‌رسی»، «اطاعت و انقیاد»، «رویه و عادت»^{۱۸}.

مفهوم دین در قرآن نیز به معانی متعددی به کار رفته است. یکی از مهم‌ترین معانی دین، «شریعت و آیین» (مجموعه‌ای از باورها و آداب و سنن) است. معانی دیگری نیز در قرآن برای واژه دین ذکر شده است؛ دین به معنای اطاعت و پرستش، تسلیم و روز جزا نیز در قرآن به کار رفته است.

برخی از متکلمان اسلامی در تعریف دین (که غالباً مرادشان دین اسلام بوده است و نه همه ادیان الهی) به دو مفهوم «کتاب» و «سنت» توجه داشته‌اند. برخی دیگر از اندیشمندان مسلمان تعاریف عام‌تری برای دین ذکر نموده‌اند که می‌توان شمول آنها را نسبت به ادیان الهی دیگر نیز سرایت داد. *تفتازانی* یکی از اندیشمندانی است که تعریفش از دین اختصاص به دین اسلام ندارد. او معتقد است: «دین عبارت است از قوانین الهی که وضع شده‌اند تا صاحبان عقل را با اختیار خودشان به خیر بالذات نایل سازند»^{۱۹}. *علامه طباطبائی* نیز در تعریف دین با اشاره به غایت دین می‌گوید: «دین چیزی غیر از سنت حیات، و شیوه‌ای که بر انسان واجب است آن را به کار گیرد تا در حیات خود سعادت‌مند شود نیست»^{۲۰}. *آیت‌الله جوادی آملی* هم ضمن ارائه تعریفی از دین، ملاک‌هایی برای حقانیت ادیان ذکر می‌کند: «به معنای اصطلاحی، دین مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها باشد. گاهی همه این مجموعه، حق و گاهی همه آنها باطل و زمانی مخلوطی از حق و باطل است. اگر مجموعه حق باشد، آن را دین حق و در غیر این صورت، آن را دین باطل و یا التقاطی از حق و باطل می‌نامند. دین حق، دینی است که عقاید، قوانین و مقررات آن از طرف خداوند نازل شده و دین باطل دینی است که از ناحیه غیر خداوند تنظیم و مقرر شده است»^{۲۱}. *آیت‌الله مصباح دین‌داری* را فرع بر قبول خداوند برمی‌شمرد و به این ترتیب، مفهوم «ادیان بی‌خدا» را نادرست می‌داند: «علاوه بر آن، دین به معنای اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان، و دستورات عملی متناسب با این عقاید می‌باشد. از این‌روی، کسانی که مطلقاً معتقد به آفریننده‌ای نیستند و پیدایش پدیده‌های جهانی را تصادفی و یا صرفاً معلول فعل و انفعالات مادی و طبیعی می‌دانند "بی‌دین" نامیده می‌شوند، اما کسانی که معتقد به آفریننده‌ای برای جهان هستند، هرچند عقاید و مراسم دینی ایشان، توأم با انحرافات و خرافات باشد، دیندار شمرده می‌شوند و بر این اساس، ادیان موجود در میان انسان‌ها به "حق" و "باطل" تقسیم می‌شوند و دین حق عبارت است از آیینی که دارای عقاید درست و مطابق با واقع بوده، رفتارهایی را مورد توصیه و تأکید قرار دهد که از ضمانت کافی برای صحت و اعتبار، برخوردار باشند»^{۲۲}.

همچنین، دین‌داری به معنای میزان التزام عملی و ذهنی به باورهای دینی است. به عبارتی، میزان پیروی پیروان دین از آن و از زیرمجموعه‌های آن است. بر این اساس، از لحاظ واژه‌شناسی، دین‌داری صفت مفهوم دین است و از این نظر نسبی است؛ یعنی مصداق قطعی و مطلق برای آن نمی‌توان معلوم کرد و به این لحاظ، دارای مراتبی است و بین دو وضعیت حداقلی و حداکثری جای می‌گیرد. به لحاظ منطقی می‌توان گفت که رابطه این دو واژه به

نوعی رابطه مفهوم و مصداق است. دین یک مفهوم کلی، و دین‌داری مصداق و جلوه‌ای از آن است. دین‌داری که واحد مشاهده آن در اصل افراد هستند، تلاش‌های فردی برای درک آن چشمه قدسی است. بنابراین، دین‌داری وابستگی تام به دین دارد و فرد دیندار، با درجات یا از جهات متفاوت می‌کوشد، خود را با یک منبع قدسی که از نظر وی در دین متبلور است، هم‌ذات گرداند و بر این اساس، میزان و جهت هم‌ذات‌انگاری فرد با دین موردنظر وی، دین‌داری او را روشن می‌سازد^{۲۳}.

در این زمینه، اندیشمندان حوزه دین و به ویژه جامعه‌شناسان، بر گوناگونی و متنوع بودن دین تأکید نموده‌اند. کنت به ابعاد سه‌گانه دین، یعنی «عواطف»، «عقاید» و «عمل» بر حسب ابعاد سه‌گانه وجودی انسان اشاره کرده است^{۲۴}. از نظر دورکیم، دین را گروه‌های اجتماعی به وجود می‌آورند و اساساً امری گروهی و یا جمعی است. این همان چیزی است که به گفته دورکیم، آن را از سحر و جادو متمایز می‌سازد. از نظر او، دین عبارت است از یک نظام مشترک و الزام‌آور از اعتقادات و اعمال که به امور مقدس، یعنی آن چیزهایی که جدا، مجزا و محترم هستند، مربوط می‌شود؛ اعتقادات و اعمالی که همه پیروان آنها را در یک اجتماع اخلاقی (کلیسا) گرد هم می‌آورد. نزد ماکس وبر دین عبارت است از «نوع خاصی از رفتار در یک زندگی اجتماعی» که باید به مطالعه و بررسی شرایط و نیز آثار آن پرداخت. آلپورت (۱۹۵۰) میان دو نوع نهادی‌شده و درونی‌شده دینی تمایز می‌گذارد تا ارتباط گرایش‌های مختلف را با این دو مقوله نشان دهد^{۲۵}. از دیدگاه وی، جهت‌گیری مذهبی، به دو صورت «درونی» و «بیرونی» می‌باشد. وی قابل قبول‌ترین روش متمایز کردن این دو قطب مذهب را این می‌داند که بگوییم شخص دارای «مذهب بیرونی»، مذهبش را به کار می‌گیرد، در صورتی که شخص دارای «مذهب درونی» با مذهبش زندگی می‌کند. بر اساس نظر آلپورت، مذهب درونی، مذهب فراگیر دارای اصول سازمان‌یافته و درونی‌شده است که خود غایت و هدف است نه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف شخصی، اما کسی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارد، مذهبش با شخصیت و زندگی‌اش تلفیق نشده است و برای او مذهب وسیله‌ای است که برای ارضای نیازهای فردی، از قبیل امنیت، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

با آنکه وچ (۱۹۵۱) برای نخستین بار این نکته را مطرح کرد که تجربه دینی ادیان دارای سه بعد «مفهومی یا نظری»، «آیینی یا عملی» و «جامعه‌شناختی یا جمع» است، اما آثار گلاک و استارک توجه پژوهشگران را به سوی تعریف چندبعدی از دین جلب کرد^{۲۶}.

گلاک و استارک در کتاب **ماهیت اجتماعات دینی** ادعان کرده‌اند که با وجود تفاوت در میان ادیان مختلف، وجوه مشترکی را در میان آنها می‌توان یافت. این وجوه یا عرصه‌ها در حقیقت، ابعاد دین‌داری را تشکیل می‌دهند و عبارتند از: ابعاد اعتقادی، مناسکی، پیامدی عاطفی و فکری^{۲۷}.

در ایران نیز در سال‌های اخیر، شناخت نگرش‌های دینی و گونه‌های دین‌داری در پژوهش‌های بسیاری انجام گرفته است. شجاعی زند، دین‌داری را تأثیر و تجلی کم یا زیاد دین در ذهن، رفتار و روان افراد معرفی می‌کند که ابعاد

پنج‌گانه معتقد بودن، مؤمن بودن، اهل عبادت بودن، اخلاقی عمل کردن و متشرع بودن از آن مستفاد می‌شود. برای ساخت سنجه یا سنجه‌های معیار در دین‌داری علاوه بر ابعاد و وجوه تصریح‌شده، می‌توان از نشانه‌ها، آثار و پیامدهای عمیق‌تر دین‌داری نیز کمک گرفت؛ مانند تلاش فرد در افزایش دانش دینی، داشتن ظاهر دینی، برپایی شعائر و ۲۸. ...

یکی از الگوهای دین‌داری که در چند سال اخیر بر اساس سطوح و آموزه‌های دین اسلام به سنجش جهت‌گیری مذهبی دانشجویان مسلمان پرداخته است، الگویی است که در ۱۰ مقوله، انسان دیندار مسلمان را معرفی می‌کند:

۱. رابطه انسان و دین (بعد شعایری و مناسکی)؛

۲. رابطه انسان و خدا (معرفت الهی، توسل و امید...)؛

۳. رابطه انسان و آخرت (ایمان به معاد، ترس از دوزخ و...)؛

۴. اولیای دین (اعتقاد به نبوت و امامت و الگوگیری از آنها)؛

۵. اخلاق فردی (تقوا، توبه، عزت نفس، تعقل و ...)؛

۶. روابط اجتماعی (راست‌گویی، پاک‌دامنی و ...)؛

۷. معیشت (مال حلال، کمک به مستمندان و ...)؛

۸. خانواده (گفتار نرم، ازدواج و ...)؛

۹. ابعاد جسمی (سلامت، طهارت و ...)؛

۱۰. انسان و طبیعت (عبرت، آبادانی، عدم آزار حیوانات و ...) ۲۹.

بر این اساس، نوشتار حاضر نیز با توجه به الگوهای دین‌داری و نگرش دینی در ایران و جهان به سنجش نگرش دینی در میان شهروندان سنندجی پرداخته است. منظور از نگرش دینی در این نوشتار، اعتقادات منسجم و یکپارچه توحیدی است که خداوند را محور امور دانسته و ارزش‌ها، اخلاقیات، آداب و رسوم رفتارهای انسان را با یکدیگر، طبیعت و خویشتن تنظیم می‌نماید.

مروری بر منابع تجربی

پیشینه خارجی

- «رفتار سازمانی و فرایندهای تصمیم‌گیری انسان یا تأثیر هوش فرهنگی بر تسلسل و نتایج مذاکره» عنوان مطالعه‌ای است که توسط لین/ایما و مایکل جی گلفاند در سال ۲۰۰۵ انجام پذیرفته است. پژوهش فوق، تأثیر هوش فرهنگی بر فرایندها و نتایج مذاکرات میان فرهنگی را بررسی نموده است و به بازبینی سایر انواع هوش‌ها (مانند توانایی شناختی و هوش عاطفی)، شخصیت (پذیرا و باز بودن در رفتار و برون‌گرا بودن) و تجربیات بین‌المللی پرداخته است.

روش تحقیق نوشتار، پیمایشی، ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه استاندارد و شیوه گردآوری اطلاعات از طریق اینترنت بوده است. حجم نمونه مقتضی (۲۳۶ نفر)، از طریق ابزارهای پژوهش «مارکت» به کار گرفته شدند تا نظرخواهی اینترنتی را تکمیل کنند. همه شرکت‌کنندگان، کارکنان تمام‌وقت ادارات (شامل ۴۲ درصد زن و ۵۸ درصد مرد) بودند و میانگین سنی آنها ۴۲/۱ بوده است.

نتایج حکایت از آن داشته‌اند که افراد دارای هوش فرهنگی بالاتر، انگیزه‌های مشارکتی بیشتر و انگیزه شناخت‌شناسی بالاتری نسبت به افراد دارای هوش فرهنگی پایین‌تر، دارند. بنابراین، استدلال محققان این بوده است که افراد با هوش فرهنگی بالاتر بر شکل‌گیری روابط همکاری مثبت‌تر (به جای روابط رقابتی منفی) تمرکز دارند.

نتایج همچنین حکایت از آن داشته‌اند که با توجه به اینکه افراد با هوش فرهنگی بالاتر، واقعا از تعامل با افراد از فرهنگ‌های مختلف لذت می‌برند، احتمال دارد که آنها دارای فکر و ذهن باز، و کنجکاو بوده و از یادگیری چیزهای جدید لذت ببرند و یا به عبارت دیگر، انگیزه‌های شناخت‌شناسی بیشتری داشته باشند. افراد با هوش فرهنگی بالاتر هم - بنا به تعریف - در سازگاری با موقعیت متنوع فرهنگی اعتماد به نفس بالایی دارند. بنابراین، اگر مشکلات ارتباطی به دلیل نشانه‌های سرگرم‌کننده فرهنگی پدید آید، به احتمال بسیار زیاد، این افراد تلاش بسیار زیادی را می‌کنند تا درک درستی از پیرامون خود داشته باشند، و اهداف خود را در سازگاری مؤثر با موقعیت‌های میان فرهنگی به دست آورند. پژوهش‌ها نشان داد که شواهد غیرمستقیم برای رابطه مثبت بین هوش فرهنگی و انگیزه شناخت‌شناسی وجود دارد.

- «اثرات هوش فرهنگی بر پذیرش و ادغام اعضا در تیم‌های چندملیتی» عنوان مطالعه‌ای دیگر است که توسط جین فلارتی در سال ۲۰۰۶ انجام پذیرفته است.

روش پژوهش مطالعه فوق، ترکیبی از پیمایش و روش تحقیق کیفی بوده است. مشارکت‌کنندگان در دو تیم کلی و چند زیرمجموعه تیمی جزئی تفکیک شده‌اند. تیم‌های شرکت‌کننده از لحاظ جنسیت، سن، ملیت و حق تصدی

تیمی و شرکتی متنوع بوده‌اند. تیم‌های شرکت‌کننده از جنبه ملیت به مقدار زیادی متنوع بوده‌اند، به گونه‌ای که دست‌کم از ۲۷ ملیت مختلف در تیم‌ها مشارکت داشته‌اند.

نتایج تحلیلی تحقیق نشان داده‌اند که ارتباط مثبت بین هوش فرهنگی ترغیبی تیمی و پذیرش و زمان ادغام تیمی برای اعضای جدید وجود داشته است. به عبارتی، نتایج نشان داده‌اند که هوش فرهنگی انگیزشی بسیار در این زمینه تأثیرگذار بوده است. به بیان دیگر، همزمان با افزایش توانایی هوش فرهنگی انگیزشی، زمان پذیرش و ادغام اعضای تیم جدید کاهش می‌یابد. بر این اساس، ارتباط معناداری بین هوش فرهنگی انگیزشی تیم با پذیرش و زمان ادغام اعضای جدید و ارتباط مثبت معناداری میان هوش فرهنگی انگیزشی و پذیرش تیمی و زمان ادغام برای اعضای جدید وجود داشته است.

- «تأثیرات هوش فرهنگی بر اعتماد میان فردی در گروه‌های چندفرهنگی» یکی دیگر از مطالعاتی است که در رابطه با هوش فرهنگی و اثر آن توسط *توماس راکستول* و *کوک یینگ* انجام پذیرفته است.

روش تحقیق مطالعه فوق از نوع آزمایشی همراه با ابزار پرسشنامه بوده است. اطلاعات از ۲۵۹ جنبه از ۴۰ پروژه تیمی در مدرسه تجاری سانفرانسیسکو جمع‌آوری شده است. میانگین سنی ۲۲ سال بوده است و از مجموع مشارکت‌کنندگان ۵۷ درصد دختر و ۴۳ درصد پسر بوده‌اند. حجم نمونه در این مطالعه ۴۵۴ دانش‌آموز سانفرانسیسکویی بوده است. ۱۹۷ دانش‌آموز بومی و بقیه از ۱۹ کشور مختلف انتخاب شدند که شامل کانادا، نیوزلند، فنلاند، نروژ، سوئد، هلند و آلمان بوده‌اند.

نتایج تحقیق حاکی از آن بوده‌اند که گروه‌های متنوع فرهنگی سطح کمتری از تأثیرپذیری براساس اعتماد نسبت به گروه‌های تک‌فرهنگی داشته‌اند. نتایج همچنین نشان داده‌اند که هوش فرهنگی اعضای محلی گروه‌ها، تأثیرات منفی تنوعات فرهنگی بر اعتماد را کاهش داده است. همچنین رابطه معناداری میان هوش فرهنگی فراشناختی و تنوع گروهی در مورد پیش‌بینی اعتماد وجود داشته است.

پیشینه داخلی

وحید قاسمی و همکاران در مطالعه‌ای تحت عنوان «توزیع شهروندان ساکن در شهر اصفهان بر مبنای مقیاس استاندارد هوش فرهنگی» که در سال ۱۳۸۹ انجام پذیرفته، به بررسی مفهوم هوش فرهنگی در ابعاد چهارگانه آن پرداخته است. مطالعه با واکاوی مفهوم هوش فرهنگی و عناصر آن و نظریه‌های موجود در این رابطه آغاز می‌شود. هدف از انجام این کار پژوهشی، همان‌گونه که عنوان شد، نشان دادن موقعیت شهروندان ۲۰ تا ۴۹ ساله ساکن در شهر اصفهان بر مبنای متوسط امتیاز آنان از چهار مقیاس فرعی سنجش هوش فرهنگی شامل ابعاد انگیزشی، شناختی، فراشناختی و رفتاری بوده است.

روش تحقیق مطالعه فوق، پیمایش مبتنی بر پرسشنامه استاندارد هوش فرهنگی بوده است. حجم نمونه در این نوشتار ۳۹۶ نفر بوده‌اند و توزیع پرسشنامه با استفاده از شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای و بر مبنای سه متغیر جنس، گروه سنی و منطقه محل زندگی انجام پذیرفته است.

نتایج تحقیق حکایت از آن داشته‌اند که در مجموع، وضعیت هوش فرهنگی در سه مقیاس فرعی از مقیاس چهارگانه در حد رضایت‌بخشی قرار داشته و وضعیت سازه اصلی هوش فرهنگی نیز در محدوده حد وسط بوده است. میانگین‌های ۵/۲۹، ۵/۰۵ و ۵۷/۴ حداکثر = ۷ و حداقل = ۱ و حد وسط ۴ به ترتیب برای هوش‌های فراشناختی، رفتاری و انگیزشی از نقاط قوت وضعیت جامعه آماری مورد مطالعه در باب هوش فرهنگی بوده است و همچنین میانگین ۲/۸۸ برای هوش فرهنگی شناختی، مهم‌ترین نقطه ضعف جامعه آماری مورد مطالعه تشخیص داده شده است.

همچنین میانگین سازه اصلی هوش فرهنگی شهروندان ساکن شهر اصفهان که از ترکیب چهار بعد ذکر شده حاصل شده بود نشان داده است که جامعه آماری در مجموع دارای هوش فرهنگی بالاتر از حد متوسط بوده‌اند.

مطالعه‌ای دیگر در مورد هوش فرهنگی با عنوان «ارتباط هوش فرهنگی و عملکرد جامعه‌المصطفی العالمیه» توسط معصومی کاظمی در سال ۱۳۸۷ برای اخذ درجه کارشناسی ارشد انجام پذیرفته است.

روش تحقیق مطالعه فوق، پیمایشی، و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد بوده است. حجم نمونه ۷۴ نفر از کارکنان جامعه‌المصطفی العالمیه بوده است که داده‌ها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردیده است. به منظور سنجش هوش فرهنگی از سؤالات پرسشنامه استاندارد ارائه‌شده توسط Ang و برای سنجش عملکرد از سؤالاتی که بر اساس بررسی ادبیات موجود در زمینه عملکرد تدوین شده بود، استفاده گردیده و هر دو دسته سؤالات در قالب یک پرسشنامه در اختیار قرار گرفته است.

نتایج به دست آمده از طریق آزمون همبستگی «اسپیرمن» نشان داده‌اند که بین هوش فرهنگی و عملکرد، ابعاد هوش فرهنگی (فراشناختی، شناختی، انگیزشی، رفتاری) و عملکرد ارتباط معناداری وجود داشته است. اولویت ابعاد هوش فرهنگی کارکنان جامعه‌المصطفی العالمیه بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون «فریدمن» بدین قرار بوده است: هوش فرهنگی - انگیزشی، هوش فرهنگی - فراشناختی، هوش فرهنگی - رفتاری، و هوش فرهنگی - شناختی. بر مبنای نتایج به دست آمده از آزمون، هوش فرهنگی، هوش فرهنگی - انگیزشی، هوش فرهنگی - فراشناختی، هوش فرهنگی - رفتاری و عملکرد، کارکنان جامعه‌المصطفی العالمیه در حد مطلوبی قرار داشته‌اند، اما از نظر هوش فرهنگی - شناختی در وضعیت مطلوبی نبوده‌اند.

فرضیات تحقیق و روش‌شناسی

الف. فرضیات تحقیق: فرضیات تحقیق حاضر به قرار زیرند:

- بین نگرش دینی و هوش فرهنگی - رفتاری رابطه وجود دارد.
- بین نگرش دینی و هوش فرهنگی - شناختی رابطه وجود دارد.
- بین نگرش دینی و هوش فرهنگی - فراشناختی رابطه وجود دارد.
- بین نگرش دینی و هوش فرهنگی - انگیزشی رابطه وجود دارد.

ب. روش‌شناسی: پژوهش حاضر نوعی تحقیق توصیفی از نوع همبستگی (غیرآزمایشی) است که از نظر کنترل شرایط پژوهش، یک بررسی پیمایشی است. از نظر هدف، یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت، پهنانگر و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر سنندج می‌باشد. تعداد نمونه بر اساس فرمول نمونه‌گیری «کوکران» با دقت برآورد $d = 0.5\%$ و حداکثر واریانس $pq = 25\%$ و سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۳۴۸ نفر تعیین شده که به دلیل زایل شدن برخی از پرسشنامه‌ها هنگام گردآوری داده‌ها و عدم امکان استفاده از آنها ۳۲۵ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بر این اساس، هوش فرهنگی با استفاده از پرسشنامه ۲۰ سؤالی استاندارد/رلی و آنگ سنجش شد. در این زمینه ۵ گویه برای هوش فرهنگی - انگیزشی، ۶ پرسش برای هوش فرهنگی - شناختی، ۴ پرسش برای هوش فرهنگی - فراشناختی و ۵ گویه برای سنجش هوش فرهنگی - رفتاری ارائه شده است.

جدول شماره (۲): ضریب آلفای کرونباخ

میزان آلفا	تعداد گویه	سازه و ابعاد
۹۴/۰	۲۰	هوش فرهنگی
۷۸/۰	۵	- انگیزشی
۸۴۳/۰	۶	- شناختی
۷۲۴/۰	۴	- فراشناختی
۹۱۴/۰	۵	رفتاری
۹۱۵/۰	۱۳	نگرش دینی

واحد تحلیل پژوهش حاضر، شهروندان، و قلمرو زمانی تحقیق، شش ماهه نخست سال ۱۳۹۰ می باشد. همچنین میزان روایی سازه‌های متعدد پژوهش براساس آلفای کرونباخ در جدول زیر آمده است که به نظر می‌رسد همه سازه‌های مورد مطالعه در حد مطلوبی دارای روایی‌اند.

جدول شماره (۳): ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌گویان

متغیر	ابعاد	درصد
جنس	مرد	۹/۵۲
	زن	۱/۴۷
وضعیت تأهل	متأهل	۵/۵۰
	مجرد	۵/۴۹
سن	۱۵-۱۹	۱۶
	۲۰-۲۴	۳/۲۰
	۲۵-۲۹	۵/۲۲
	۳۰-۳۴	۱۲
	۳۵-۳۹	۲/۹
	۴۰-۴۴	۷/۷
	۴۵-۴۹	۵/۶
	۵۰ به بالا	۸/۵
تحصیلات	بیسواد	۷/۶
	ابتدایی و راهنمایی	۴/۲۳
	تا دیپلم	۲/۲۱

	فوق دیپلم و لیسانس	۲/۴۲
	فوق لیسانس و بالاتر	۵/۶
منطقه زندگی	پایین	۳/۳۳
	متوسط	۳/۳۳
	بالا	۳/۳۳

یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش در دو قسمت ارائه می‌گردد. در قسمت اول، ابعاد مختلف هوش فرهنگی و همچنین نگرش دینی توصیف شده و در قسمت دوم، فرضیات تحقیق درباره رابطه نگرش دینی و شاخص هوش فرهنگی و ابعاد آن بررسی می‌شوند.

توصیف متغیرهای اصلی

متغیرهای اصلی در این پژوهش، هوش فرهنگی و ابعاد آن و نگرش دینی شهروندان است که در زیر توصیف آنها ارائه می‌شود.

توزیع پراکندگی وضعیت شاخص هوش فرهنگی شهروندان شهر سنندج: طبق اطلاعات جدول شماره (۴) ملاحظه می‌شود که متوسط هوش فرهنگی شهروندان ۴۷/۲ درصد با انحراف معیار ۱۲/۸ بوده است. در این میان، پیوستار هوش فرهنگی حداقل ۲۰ و حداکثر ۱۴۰ است.

جدول شماره ۴: توزیع پراکندگی وضعیت هوش فرهنگی شهروندان سنندج

چارک سوم	چارک دوم	چارک اول	حداکثر	حداقل	ضریب کجی	انحراف معیار	میانگین	تعداد	متغیر
۱۰۰	۸۷	۵۰/۷۲	۱۴۰	۲۰	۱۵۳/۰	۴۱/۱۹	۶۴/۸۵	۳۲۵	هوش فرهنگی

با توجه به جدول شماره (۵) نیز می‌توان عنوان نمود که بیشترین میزان شهروندان سنندجی دارای هوش فرهنگی متوسطی در ابعاد چهارگانه بوده‌اند (۴۶/۵ درصد). همچنین جدول حکایت از آن دارد که پس از این مقوله، ۳۲/۹ درصد از شهروندان سنندجی دارای هوش فرهنگی پایینی بوده‌اند.

جدول شماره ۵: وضعیت هوش فرهنگی شهروندان ساکن سنندج

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
۱/۳	۱/۳	۱۰	بالای بالا
۴/۱۵	۳/۱۲	۴۰	بالا
۸/۶۱	۵/۴۶	۱۵۱	متوسط
۸/۹۴	۹/۳۲	۱۰۷	پایین
۰/۱۰۰	۲/۵	۱۷	پایین پایین
	۰/۱۰۰	۳۲۵	جمع

بر اساس اطلاعات جدول شماره (۶) ملاحظه می‌شود که به طور متوسط هوش فرهنگی - شناختی شهروندان سنندجی در طول شش ماهه اول سال ۱۳۹۰ برابر ۲۳/۴۵ درصد با انحراف معیار ۵/۴۵؛ هوش فرهنگی - انگیزشی آنها ۲۱/۴۰ با انحراف استاندارد ۶/۵۲؛ هوش فرهنگی - فراشناختی شهروندان شهر سنندج ۱۸/۶۵ با انحراف استاندارد ۵/۴۵؛ هوش فرهنگی - رفتاری آنان ۲۱/۷۰ با انحراف استاندارد ۶/۰۵ بوده است. علاوه بر آن، بر اساس اطلاعات جدول می‌توان عنوان نمود که سطح هوش فرهنگی - شناختی شهروندان سنندجی در حد متوسط، هوش فرهنگی - انگیزشی در حد متوسط و یا مقداری بالاتر از آن، هوش فرهنگی - فراشناختی در حد نسبتاً مطلوب و هوش فرهنگی - رفتاری شهروندان مورد مطالعه در حد متوسط یا به عبارتی دقیق‌تر، در سطح متوسط رو به بالا قرار دارد.

جدول شماره ۶: توصیف ابعاد چهارگانه هوش فرهنگی

انحراف معیار	حداکثر	حداقل	میانگین	شاخص‌ها و ابعاد
۴۵/۵	۴۲	۶	۴۵/۲۳	شناختی
۵۲/۶	۳۵	۵	۴۰/۲۱	انگیزشی
۰۵/۶	۳۵	۵	۷۰/۲۱	رفتاری
۳۱/۴	۲۸	۴	۶۵/۱۸	فراشناختی

علاوه بر آن، بر اساس اطلاعات جدول شماره (۷)، متوسط نمرات نگرش دینی شهروندان شهر سنندج ۴۰/۵۰ با انحراف استاندارد ۹/۷۱ بوده است. در این میان، پیوستار نگرش دینی حداقل ۱۳ و حداکثر ۶۵ بوده است. همچنین بر اساس اطلاعات جدول می‌توان عنوان نمود که سطح نگرش دینی شهروندان مورد مطالعه در حد تقریباً متوسط

بوده است و نیز با توجه به دینی بودن جامعه و حاکمیت ایرانی، سطح نگرش دینی در میان شهروندان در حد چندان مطلوبی قرار ندارد.

جدول شماره ۷: توزیع پراکندگی نمرات نگرش دینی شهروندان سنندجی

چارک سوم	چارک دوم	چارک اول	حداکثر	حداقل	ضریب کجی	انحراف معیار	میانگین	تعداد	متغیر
۴۶	۴۱	۳۴	۶۵	۱۳	۰/۱۹	۷۱/۹	۵۰/۴۰	۳۲۵	نگرش دینی

یافته‌های تحلیلی

نگرش دینی و شاخص هوش فرهنگی

فرضیه اصلی این عنوان مبتنی بر اثر نگرش دینی بر شاخص هوش فرهنگی بوده است. از آن‌رو که هر دو متغیر در سطح فاصله‌ای بوده‌اند، از آماره پیرسون برای تعیین همبستگی و ارتباط آنها استفاده شده است.

جدول شماره ۸: بررسی رابطه نگرش دینی و شاخص هوش فرهنگی بر مبنای ضریب همبستگی پیرسون

متغیرها	هوش فرهنگی
مقدار پیرسون	۱۶۷/۰
سطح معناداری	۰/۰۰۲
تعداد	۳۲۵

همان‌گونه که در جدول فوق مشهود است، ارتباط معناداری میان متغیرهای نگرش دینی و شاخص هوش فرهنگی وجود دارد (سطح معناداری = ۰/۰۰۲). بر این اساس، می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان رأی به رد فرض صفر و پذیرش فرض مقابل داد. به عبارتی، می‌توان عنوان نمود که بین نگرش دینی و شاخص هوش فرهنگی رابطه معناداری در سطح ۹۵ درصد اطمینان وجود دارد. همچنین مقدار پیرسون (۱۶۷/۰) از متوسط بودن شدت همبستگی دو متغیر نگرش دینی و شاخص هوش فرهنگی شهروندان سنندجی حکایت دارد. البته باید اشاره نمود که علامت منفی در کنار شدت همبستگی نشان از معکوس بودن رابطه میان دو متغیر دارد. بر این اساس، آماره پیرسون نشان از آن دارد که بالا رفتن شدت نگرش دینی سبب کاهش توانایی هوش فرهنگی شهروندان سنندجی شده است و بعکس.

نگرش دینی و هوش فرهنگی – انگیزشی

فرضیه اصلی این عنوان مبتنی بر اثر نگرش دینی بر هوش فرهنگی - انگیزشی بوده است. از آن رو که هر دو متغیر در سطح فاصله‌ای بوده‌اند، از آماره پیرسون برای تعیین همبستگی و ارتباط آنها استفاده شده است.

جدول شماره ۹: بررسی رابطه نگرش دینی و هوش فرهنگی - انگیزشی با استفاده از ضریب همبستگی

پیرسون

متغیرها	هوش فرهنگی-انگیزشی	
نگرش دینی	مقدار پیرسون	۱۲۲/۰
	سطح معناداری	۰۴۴/۰
	تعداد	۳۲۳

همان گونه که در جدول شماره (۹) مشخص است، ارتباط معناداری میان متغیرهای نگرش دینی و هوش فرهنگی - انگیزشی وجود دارد (سطح معناداری 0.44). بر این اساس، می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان رأی به رد فرض صفر و پذیرش فرض مقابل داد. به عبارتی، می‌توان عنوان نمود که بین نگرش دینی و هوش فرهنگی - انگیزشی رابطه معناداری در سطح ۹۵ درصد اطمینان وجود دارد. همچنین مقدار پیرسون (0.112) از نسبتاً ضعیف بودن شدت همبستگی دو متغیر نگرش دینی و هوش فرهنگی - انگیزشی شهروندان سنندجی حکایت دارد. البته باید اشاره نمود که علامت منفی در کنار شدت همبستگی نشان از معکوس بودن رابطه میان دو متغیر دارد. بر این اساس، آماره پیرسون نشان از آن دارد که بالا رفتن شدت نگرش دینی سبب کاهش توانایی هوش فرهنگی - انگیزشی شهروندان سنندجی شده است و بعکس.

نگرش دینی و هوش فرهنگی - شناختی

فرضیه اصلی این عنوان مبتنی بر اثر نگرش دینی بر هوش فرهنگی شناختی بوده است. به این دلیل که هر دو متغیر در سطح فاصله‌ای بوده‌اند، از آماره پیرسون برای تعیین همبستگی و ارتباط آنها استفاده شده است.

جدول شماره ۱۰: بررسی رابطه نگرش دینی و هوش فرهنگی - شناختی با استفاده از ضریب همبستگی

پیرسون

متغیرها	هوش فرهنگی-شناختی	
نگرش دینی	مقدار پیرسون	۱۳۹/۰
	سطح معناداری	۰۱۲/۰

۳۲۳	تعداد
-----	-------

همان‌گونه که در جدول فوق مشهود است، ارتباط معناداری میان متغیرهای نگرش دینی و هوش فرهنگی - شناختی وجود دارد (سطح معناداری = $0/012$). بر این اساس، می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان رأی به رد فرض صفر و پذیرش فرض مقابل داد. به عبارتی، می‌توان عنوان نمود که بین نگرش دینی و هوش فرهنگی - شناختی رابطه معناداری در سطح ۹۵ درصد اطمینان وجود دارد. همچنین مقدار پیرسون ($0/139$) از تقریباً متوسط بودن شدت همبستگی دو متغیر نگرش دینی و هوش فرهنگی - شناختی شهروندان سنندجی حکایت دارد. البته باید اشاره نمود که علامت منفی در کنار شدت همبستگی نشان از معکوس بودن رابطه میان دو متغیر دارد. بر این اساس، آماره پیرسون نشان از آن دارد که بالا رفتن شدت نگرش دینی سبب کاهش توانایی هوش فرهنگی - انگیزشی شهروندان سنندجی شده است و بعکس.

نگرش دینی و هوش فرهنگی - فراشناختی

فرضیه اصلی این عنوان مبتنی بر رابطه نگرش دینی و هوش فرهنگی - فراشناختی بوده است.

جدول شماره ۱۱: ضریب همبستگی پیرسون برای همبستگی نگرش دینی و هوش فرهنگی - فراشناختی

متغیرها	هوش فرهنگی - فراشناختی	مقدار پیرسون
نگرش دینی	۱۰۵/۰	سطح معناداری
	۰۳۵/۰	تعداد
	۳۲۳	

همان‌گونه که در جدول فوق مشهود است، ارتباط معناداری میان متغیرهای نگرش دینی و هوش فرهنگی - فراشناختی شهروندان سنندجی وجود دارد (سطح معناداری = $0/035$). بر این اساس، می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان رأی به رد فرض صفر و پذیرش فرض مقابل داد. همچنین مقدار پیرسون از نسبتاً ضعیف بودن شدت همبستگی دو متغیر نگرش دینی و هوش فرهنگی - فراشناختی شهروندان سنندجی حکایت دارد. اگرچه برخلاف موارد پیشین، در این مورد ارتباط دو مقوله مثبت و مستقیم بوده است.

نگرش دینی و هوش فرهنگی - رفتاری

فرضیه اصلی این عنوان مبتنی بر اثر نگرش دینی و هوش فرهنگی - رفتاری بوده است. از آن رو که هر دو متغیر در سطح فاصله‌ای بوده‌اند، از آماره پیرسون برای تعیین همبستگی آنها استفاده شده است.

جدول شماره ۱۲: ضریب همبستگی پیرسون برای همبستگی میان نگرش دینی و هوش فرهنگی - رفتاری

متغیرها	هوش فرهنگی - رفتاری	
نگرش دینی	مقدار پیرسون	۱۸۷/۰
	سطح معناداری	۰۰۱/۰
	تعداد	۳۲۳

همان گونه که در جدول فوق مشهود است، ارتباط معناداری میان متغیرهای نگرش دینی و هوش فرهنگی - رفتاری وجود ندارد (سطح معناداری = ۰/۰۰۱). بر این اساس، می توان با ۹۵ درصد اطمینان رأی به رد فرض صفر و پذیرش فرض مقابل داد. همچنین مقدار پیرسون (۰/۱۸۷) از متوسط رو به بالا بودن شدت همبستگی دو متغیر نگرش دینی و هوش فرهنگی - رفتاری شهروندان سنندجی حکایت دارد. البته باید اشاره نمود که علامت منفی در کنار شدت همبستگی نشان از معکوس بودن رابطه میان دو متغیر دارد. بر این اساس، آماره پیرسون نشان از آن دارد که بالا رفتن شدت نگرش دینی سبب کاهش توانایی هوش فرهنگی رفتاری شهروندان سنندجی شده است و بعکس.

جمع بندی

مقاله حاضر به بررسی وضعیت هوش فرهنگی شهروندان سنندجی و اثر دین داری بر آن پرداخته است. در این زمینه، نتایج زیر حاصل شده است:

۱. به طور کلی، میانگین نمرات هوش فرهنگی شهروندان ۸۵/۶۴ با انحراف استاندارد ۱۹/۴۱ و حداقل هوش فرهنگی ۲۸/۴ و حداکثر ۱۳۸/۱۷ از ۱۴۰ به دست آمده است؛ یعنی سطح هوش فرهنگی شهروندان سنندج در حد متوسط و به عبارتی دقیق تر، متوسط رو به بالا قرار دارد و این نشان می دهد که دامنه هوش فرهنگی تقریباً از آستانه مطلوبی برخوردار است. همچنین مشخص گردید که بیش از ۶۱ درصد از شهروندان دارای هوش فرهنگی متوسط به بالا بوده‌اند.

۲. یافته‌های توصیفی نشان از آن دارد که هوش فرهنگی - انگیزشی شهروندان مقداری از متوسط بالاتر بوده است. همچنین میانگین سایر ابعاد هوش فرهنگی، یعنی هوش فرهنگی - شناختی، هوش فرهنگی - فراشناختی و هوش

فرهنگی - رفتاری به ترتیب ۲۳/۴۵ با انحراف استاندارد ۵/۴۵ و حداقل ۶ و حداکثر ۴۲؛ ۱۸/۶۵ با انحراف استاندارد ۴/۳۳ حداقل ۴ و حداکثر ۲۸؛ ۲۱/۷۰ با انحراف استاندارد ۰۵/۶ حداقل ۵ و حداکثر ۳۵ بوده است. بر این اساس، می‌توان عنوان نمود که رتبه شهروندان در هر سه بعد هوش فرهنگی تقریباً بالاتر از متوسط قرار دارد. اگرچه وضعیت هوش فرهنگی - فراشناختی از سایر ابعاد بهتر است.

۳. متوسط نمره سطح نگرش دینی افراد مورد مطالعه نیز برابر با ۴۰/۵۰ با انحراف استاندارد ۹/۷۱ به دست آمده است. همچنین حداقل نمره مورد انتظار نگرش دینی ۱۳ و حداکثر آن ۶۵ بوده است. بر این اساس، مقدار به دست آمده در نگرش دینی تقریباً مثبت بودن نگرش دینی افراد در راستای دین‌داری اسلامی بوده است و به عبارت دیگر، سطح نگرش دینی شهروندان در حد بالاتر از متوسط قرار دارد.

نتایج تبیینی و یافته‌های تحلیلی را نیز می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود:

۱. بین نگرش دینی و شاخص هوش فرهنگی شهروندان همبستگی معکوس معناداری ($r = -0.167$) وجود دارد. همچنین بین نگرش دینی با ابعاد چندگانه هوش فرهنگی روابط معنادار و البته معکوسی وجود داشته است. بر این اساس، بین نگرش دینی و هوش فرهنگی - انگیزشی همبستگی معکوس معناداری ($r = -0.112$) با سطح معنادار ($p = 0.044$) وجود دارد. بین نگرش دینی و هوش فرهنگی - شناختی نیز همبستگی معکوس معناداری ($r = -0.139$) با سطح معناداری $p = 0.012$ وجود دارد. همچنین بین نگرش دینی و هوش فرهنگی - رفتاری همبستگی معکوس معناداری ($r = -0.187$) با سطح معنادار $p = 0.000$ وجود دارد.

در مجموع، این یافته‌ها بیانگر آن هستند که هرچه سطح نگرش دینی شدت بیشتری یافته است، نوعی پابندی انحصاری به هویت فرهنگی خاص (در این مورد، هویت دینی) تقویت شده و از آن‌رو که هویت عاملی غیریت‌ساز بوده و «خود» مثبت و خوب را در مقابل «دیگری» بد و منفی قرار می‌دهد، زمینه‌های ارتباط میان فرهنگی - چنان‌که در مورد هوش فرهنگی به آن اشاره می‌شود - را حذف کرده یا دست‌کم به مخاطره می‌اندازد. اگرچه در میان موارد و عناصر هوش فرهنگی، در حالتی متفاوت بین نگرش دینی و هوش فرهنگی - فراشناختی همبستگی مستقیم معناداری ($r = 0.105$) با سطح معنادار $p = 0.035$ وجود دارد. بر این اساس، یافته اصلی تحقیق در واقع زنگ خطری جدی برای مسئولان درباره تعاملات آینده میان شهروندان ایرانی به ویژه از اقوام مختلف و همچنین درباره وضعیت تقریباً نامطلوب سطح نگرش دینی در جامعه‌ای دینی است.

منابع

- آذربایجانی، مسعود، تهیه و سآزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.

- تفتازانی، سعدالدین، *شرح العقاید النسفیة*، قاهره، مکتبه الکلیات الازهریه، ۱۴۰۷ ق.
- جوادی آملی، عبدالله، *دین شناسی*، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳.
- سراجزاده، حسین و مریم توکلی، «بررسی عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی»، *نامه پژوهش*، ش ۲۱ و ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۸۰، ص ۱۵۹-۱۸۸.
- شجاعی‌زند، علیرضا، «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، ش ۱، بهار ۱۳۸۴، ص ۳۴-۶۶.
- طباطبائی، سید محمدحسین *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۴.
- عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، چ هفتم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- گنجی، محمد و همکاران، «رابطه گونه‌های دینداری و سرمایه اجتماعی رویکردی نظری و تجربی در بین مردم شهرستان کاشان، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و دوم، ش ۴۲، تابستان: ۱۳۹۰، ص ۹۵-۱۲۰.
- مصباح، محمدتقی، *آموزش عقاید*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۰.
- میرسندسی، م، *سنجش میزان و انواع دینداری در میان دانشجویان*، پایان‌نامه دکتری، رشته جامعه‌شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳.
- Ang, S., L. V. Dyne & S. K. Koh, ***Personality Correlates of the four-factor model of cultural intelligence***, Group and Organization Management, 31: 100-123, 2006.
- Earley, P.C. & S. Ang, ***Cultural intelligence: Individual Interactions across Cultures***, Stanford, CA, Stanford, 2003.
- Thomas, D. C. & K. Inkson, "People Skills for a global Workplace", ***Consulting to Management***, V. 16 (1), p. 5-10, 2005.
- Thomas, D. C., "Domain and development of Cultural intelligence: The importance of Mindfulness", ***Group and Organization Management***, 31 (1), p. 78-103, 2006.

- Van Dyne, L., & S. Ang, "Getting more than you expect: Global leader initiative to span structural holes and reputational effectiveness", In W. H. Mobley & E. W. Weldon (eds.), *Advances in global leadership*, New York, JAI Press, 2006.

*استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور. دریافت ۲۰/۱۲/۸۹: پذیرش ۱۰/۶/۹۰:

yahmady2009@gmail.com

۱. Multicultural.

۲. Cultural Sense.

۳. P. C. Early and S. Ang, *Cultural intelligence: Individual interactions across Cultures*, p. 132.

۴. Ibid, p. 134.

۵. D. C. Thomas & K. Inkson, "People Skills for a global Workplace", *Consulting to Management*, V. 16 (1), p. 8.

۶. D. C. Thomas, "Domain and development of Cultural intelligence: The importance of Mindfulness", *Group and Organization Management*, 31 (1), p. 83.

۷. S. Ang, L. Van Dyne, & S. K. Koh, *Personality Correlates of the four-factor Model of Cultural Intelligence*, p. 119.

۸. P. Earley, & E. Mosakowski, *Cultural intelligence*, p. 143.

۹. L. Van Dyne, & S. Ang, "Getting more than you expect: Global leader initiative to span structural holes and reputational effectiveness", In W. H. Mobley & E. W. Weldon (eds.), *Advances in global leadership*, p. 108.

۱۰. Ibid, p. 109.

۱۱. S. Ang, L. Van Dyne, & S. K. Koh, *Personality Correlates of the four-factor model of Cultural intelligence*, p. 121.

۱۲. Ibid, p. 123.

۱۳. Ibid, p. 102.

۱۴. Ibid, p. 108.

۱۵ - علی اکبر دهخدا، *لغت نامه*، ذیل واژه «دین».»

۱۶ - حسن عمید، *فرهنگ عمید*، ص ۶۷۳.

۱۷ - عبدالله جوادی آملی، *دین شناسی*، ص ۹۳.

۱۸ - حسن عمید، همان، ص ۶۸۵.

۱۹ - سعدالدین تفتازانی، *شرح العقائد النسفیة*، ص ۶.

۲۰ - سید محمدحسین طباطبائی، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۶، ص ۱۶۷.

۲۱ - عبدالله جوادی آملی، *دین شناسی*، ص ۹۳-۹۵.

۲۲ - محمدتقی مصباح، *آموزش عقاید*، ج ۱، ص ۲۸.

۲۳ - م. میرسندسی، *سنجش میزان و انواع دینداری در میان دانشجویان*، ص ۶۱.

۲۴ - علیرضا شجاعی زند، «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، *جامعه شناسی ایران*، دوره ششم، ش ۱، ص ۳۹.

۲۵ - حسین سراج زاده و مریم توکلی، «بررسی عملیاتی دینداری در پژوهش های اجتماعی»، *نامه پژوهش*، ش ۲۰ و ۲۱، ص ۶۱.

۲۶ - محمد گنجی و همکاران، «رابطه گونه های دینداری و سرمایه اجتماعی رویکردی نظری و تجربی در بین مردم شهرستان کاشان، *جامعه شناسی کاربردی*، سال بیست و دوم، ش ۴۲، ص ۱۰۲.

۲۷ - همان، ص ۱۰۲.

۲۸ - علیرضا شجاعی‌زند، همان، ص ۴۲.

۲۹ - مسعود آذربایجانی، تهیه و سآزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام، ص ۴۹۴.